



## فهرست‌نویسی و انتشار نسخ خطی و تاثیر آن در تحقیق و پژوهش

«در گفتگو با سید جعفر اشکوری»

• امیرحسین شرافت  
کارشناس ارشد معارف اسلامی

فهرست‌نویسی و پژوهش دربارهٔ نسخ خطی از قدیم در میان محققان رواج داشته و هریک بنوبهٔ خود کوشیده‌اند تا آثار مکتوب عالمان گذشته را برای آیندگان به ثبت رسانند. چنانچه الفهرست ابن‌ندیم و فهرست شیخ طوسی و کشف‌الظنون کاتب چلبی و ابجد العلوم قنوجی و ایضاح المکتون اسماعیل پاشا و الذریعهٔ آقابزرگ تهرانی در راستای تحقق‌بخشیدن بدین مهم تألیف شده‌اند.

بدون تردید پژوهش در زمینهٔ نسخه‌شناسی، فهرست‌نگاری، کتاب‌شناسی و متن‌پژوهی از بنیادی‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی است که از دستاوردهای آن، گروه زیادی از دانشمندان علوم مختلف بهره می‌گیرند و برای تحقیقات تکمیلی خود همواره به اینگونه تحقیقات، نیازمند و وابسته‌اند. این نیاز از آن روست که تحقیقات جدید جملگی بر پایهٔ دستاوردهای علمی پیشینیان بنیاد نهاد شده است و اگر نگوئیم در تمام علوم، بی‌تردید در بیشتر آنها نقش این دستاوردها انکارناپذیر است.

در میان کشورهای صاحب نسخ خطی اسلامی، ایران به‌همراه ترکیه، مصر و هند در ردیف برترین‌ها قرار دارد و از نظر فعالیت‌های علمی و پژوهشی در زمینهٔ کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی نیز صاحب امتیازات خوبی است. به‌طوری‌که اگر فهرس چاپی دنیا را هفت‌هزار عنوان بدانیم، به تحقیق بیش از ۱۰ درصد از آن، مربوط به ایران است. البته چه‌بسا سهم ایران در دیگر زمینه‌های پژوهشی مربوط به نسخه‌های خطی همچون تصحیح متون، بیشتر از این باشد. اما به‌ادعان صاحب‌نظران، به‌رغم سپری شدن دست کم ۸۰ سال از عمر نهضت فهرست‌نویسی نوین در ایران، بیش از ۲۰۰ هزار نسخهٔ خطی در کتابخانه‌های عمومی و



فهرست‌نگار باید نسخه را به‌طور کامل برای محقق معرفی کند، چرا که محقق به دنبال آن است تا در موضوع موردعلاقه خود نسخه جدیدی پیدا کرده و درباره آن تحقیق کند

ببالند؟ یا وسیله موردعلاقه برخی از مجموعه‌داران است که فقط به وجود فیزیکی آن در کتابخانه خود عاشقانه عشق بورزند؟ آیا ارزش نسخه خطی فقط به مسائل مادی است یا از آن بهره‌های دیگری نیز می‌توان جست؟

به‌راستی معرفی دقیق یک نسخه خطی را چه کسی می‌تواند عهده‌دار باشد؟ آیا هرکسی قادر به شناخت و فهرست کردن کتاب خطی است یا تخصصی می‌طلبد تا بدین کار دست زند؟ در این میان اهمیت کار فهرست‌نگار و رسالتی که بر عهده اوست، دقیقاً مشخص می‌شود. زیرا او در مقابل دنیایی از نسخه‌های خطی ناشناخته قرار گرفته که باید ابتدا آنها را بشناسد و سپس هر نسخه را به‌طور دقیق و کامل معرفی کند تا محققان بتوانند به بهترین شکل از آن استفاده کنند.

خصوصی وجود دارد که هیچ‌گونه فهرستی نه به‌تفصیل و نه به‌اجمال برای آنها تنظیم و منتشر نشده است. یعنی اگر با سرعت گذشته، حرکت فهرست‌نگاری ادامه یابد، تا چند سال دیگر باید منتظر بود تا فهرستی از دست‌نویس‌های موجود در گنجینه‌های کوچک و بزرگ پراکنده در شهرهای ایران به‌دست آید.

از دیگر سو و قبل از ورود به هرگونه برنامه‌ریزی و ایجاد نهضت فراگیر ثبت و فهرست و معرفی همه نسخه‌ها، توجه جدی به برخی از نکات ضروری است. مانند اینکه بدانیم نسخه خطی چیست؟ آیا شیئی گران‌بهاست تا عده‌ای از سوداگران و سودجویان در تحصیل آن بکوشند تا به مال و منالی برسند؟ یا زینت‌بخش موزه‌های کوچک و بزرگ دنیاست تا در داشتن فلان نسخه قدیم از صدها سال قبل بر یکدیگر

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سیدجعفر اشکوری که تاکنون چندین اثر در زمینه فهرستنویسی از وی منتشر شده یا در دست انتشار است، دیباچه‌ای برای ورود به مباحث و موضوعات اطلاع‌رسانی علمی و نگارش فهرس برای میراث مکتوب کشور می‌باشد.

#### ■ ضرورت پژوهش در فهرستنگاری از کجا ناشی شد؟

□ شناخت تمدن و فرهنگ هر ملت و مملکتی به بررسی و شناخت آثار پیشینیان بستگی دارد. وقتی متخصصان از یک کوزه گلی یا سفالی به میزان قدمت تمدن قومی پی‌می‌بندند، یا از طریق معماری آنان، که برخی از مسائل آن تاکنون حل نشده نظیر اهرام ثلاثه و تخت جمشید، جایگاه آنان را در تمدن ارزیابی می‌کنند. طبیعی است که بررسی آثار مکتوب هر ملتی که برخاسته از اندیشه و تفکر آنان است، بهترین وسیله برای شناخت آنهاست. بالطبع معرفی این آثار به تخصصی نیاز دارد که همان فهرستنگار است. پس در مقابل دنیایی از نسخه‌های خطی ناشناخته باید اول آنها را شناخت و سپس از جهات مختلف به تجزیه و تحلیل آنها پرداخت تا بتوان فرهنگ و تمدن یک ملت را بررسی کرد.

#### ■ کارهایی را که در این زمینه در ایران صورت گرفته است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ ایران در چاپ فهرس نسخه‌های خطی مقام اول را دارد، ولی این مقدار کافی نیست. زیرا فهرستنگاری بسیاری از کتابخانه‌های شخصی و شبه‌شخصی و حتی کتابخانه‌های بزرگ کشور، طبق آماری که متولیان فرهنگی منتشر کرده‌اند، به یک‌سوم هم نرسیده است. پس همتی بس فزاینده‌تر می‌طلبد تا کار به سرانجام برسد.

#### ■ شیوه‌های فهرستنگاری در ایران چگونه است؟ و چه مزایا و معایبی دارد؟

□ روش کار فهرستنویسی در ایران ذوقی است و هر یک از استادان روشی را انتخاب و اجرا کرده‌اند. اما به‌طور کلی فهرس ایران را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد. برخی از کتابخانه‌ها فهرس‌های موضوعی

تهیه کرده‌اند که این نوع فهرس معایبی دارد، اولاً کار به‌کندی پیش می‌رود، چون باید منتظر بود که مقدار معتناهایی از یک موضوع تکمیل شود تا به فهرس آنها پرداخت که این کار مستلزم وقت است. مسئله دوم این است که در کتاب‌هایی که به‌عنوان مجموعه شناخته می‌شوند و چند رساله در یک جلد گرد آمده‌اند، معمولاً هر یک از رساله‌ها دارای موضوع متفاوتی از دیگری، مثلاً منطق، فلسفه و فقه، است. اگر بخواهیم هر یک از رساله‌ها را در موضوع خود معرفی کنیم، مجموعه‌های شوشی خواهد شد و به‌درستی نمی‌توان فهمید که فلان مجموعه دارای چند رساله است و نام هر یک چیست. البته این روش در کتاب‌های مکرر که فقط یک‌بار نام کتاب و مؤلف می‌آید و در بقیه نسخه‌ها فقط به کتاب‌شناسی آنها پرداخته می‌شود و در چاپ کتاب صرفه‌جویی می‌شود، گاهی مطلوب است و نیز در دستیابی سریع محقق به کتاب موردعلاقه‌اش کارگشاست.

برخی از فهرس به تفصیل به مباحث کتاب‌شناسی پرداخته‌اند که گاهی رشته کار از دست محقق خارج می‌شود، اگرچه آن مباحث در جای خود بسیار مفید باشد. برخی از فهرس نیز چنان مختصراند که محققان رغبتی ندارند به آنها مراجعه کنند. در برخی از فهرس نیز زبان تألیف کتاب (فارسی، عربی، اردو و ...) مدنظر بوده است. این روش برای محققان کارگشاست، زیرا از جست‌وجو در کتاب‌هایی که موردنیاز آنها نیست، خودداری می‌شود و نوعی صرفه‌جویی در وقت است. اما همان مشکلی که در مجموعه‌ها مطرح شد، در اینجا نیز می‌آید. دیگر آنکه محققانی که در متونی به زبان خاص تحقیق می‌کنند، باید صبر کند تا جلدی که مختص به آن زبان است، از چاپ خارج شود. پس بهترین روش برای فهرستنویسی حد متوسط در نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی است و به‌ترتیب شماره مسلسل که تمام مسائل فوق را با تهیه فهرس فنی در پایان هر جلد یا جلدی مستقل می‌توان جبران کرد.

#### ■ به نظر شما آیا به اصلاح فهرس‌های گذشته نیازی هست؟

□ این سؤال چند حالت دارد: ۱. گاهی بخشی از کتاب‌های خطی یک کتابخانه فهرس شده است،

مشکل اساسی  
فهرستنگاری در  
عصر کنونی این  
است که پرورش  
دانشجویان این  
رشته به‌کندی صورت  
می‌گیرد



طبیعی است که بررسی آثار مکتوب هر ملتی که برخاسته از اندیشه و تفکر آنان است، بهترین وسیله برای شناخت آنهاست

### روش کار فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران ذوقی است و هریک از استادان روشی را انتخاب و اجرا کرده‌اند

جدید فهرست شود.

این مسئله در کشورهایی که دارای نسخه‌های خطی و فهرست محدود می‌باشند، وجود دارد. ولی در ایران که هرروز شاهد چاپ فهرست جدیدی از کتابخانه‌های بزرگ و کوچک و شخصی و غیره هستیم، چندان کارآمد نیست، زیرا ما با اقیانوسی از نسخه‌های خطی و کارشناسان اندک روبه‌رویم و به‌جای آنکه دنبال نقد یا تأیید آثار گذشتگان یا استادان کنونی باشیم، خود آستین‌بالازده و زودتر ناشناخته‌ها را معرفی کنیم.

■ به‌نظر شما حیطة وظایف فهرست‌نگار چقدر

است؟

□ فهرست‌نگار باید نسخه را به‌طور کامل برای

مثلاً مرحوم استاد دانش‌پژوه در سال ۱۳۴۲ به یزد رفته و نسخه‌های خطی کتابخانه سر یزدی را در آن زمان ۲۷۵ نسخه ذکر کرده و در فرصت کوتاهی که در اختیار داشته، ۷۴ نسخه آن را به‌ترتیب الفبایی معرفی کرده است. در حال حاضر این کتابخانه دارای ۸۷۰ نسخه خطی است. آیا باید به آنچه مرحوم دانش‌پژوه معرفی کرده است، اکتفا کرد؟ یقیناً چنین نیست و باید به فهرست‌نگاری کامل این کتابخانه پرداخت تا دانش‌پژوهان از آن ذخائری که در این کتابخانه موجود است، بهره ببرند.

۲. گاهی کتابخانه به‌طور کامل فهرست شده، ولی به‌عللی کاستی‌هایی دارد، ولی همان فهرست راهگشای محققان است، در این نوع فهرس به‌نظر می‌رسد که به فهرست‌نگاری جدید نیازی نیست، ولی باید با کمک فهرست‌نگارانی که در مراجعات خود بدان فهرست به اشکالاتی برخورد کرده‌اند و ملاحظاتی بر آن نوشته‌اند، این نوشته‌ها به چاپ برسد تا فهرست کاملی شود.

۳. کتابخانه‌هایی وجود دارد که بخشی از کتاب‌های آنها فهرست شده و به‌عللی فهرست‌نگاری آنها تعطیل شده است، در اینگونه کتابخانه‌ها حتماً باید نسخه‌های

محقق معرفی کند، محقق به دنبال آن است تا در موضوع مورد علاقه خود نسخه جدیدی پیدا کرده و درباره آن تحقیق کند. پس در کتاب‌شناسی باید به‌طور کامل به مباحث کتاب توجه داشت تا محقق از آن باخبر شود و در بحث نسخه‌شناسی باید دقت کرد تا محقق در انتخاب نسخه به مشکلی برخورد نکند. از این رو باید به کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی کتاب اهمیت داد و آن را مختصر و مفید و دقیق برای محقق شناساند و از بحث‌های نقدگونه کتاب، که محقق را از مقصود اصلی دور می‌کند، پرهیز کرد و اینگونه مباحث را به مجلات تخصصی واگذاشت.

#### ■ فهرستنگاری چه تأثیری می‌تواند در تحقیق و پژوهش داشته باشد؟

□ برخی بر این تصورند که فهرست نسخه‌های خطی فقط برای عده خاصی از محققان مفید است. در حالی که یک فهرست از چند جهت قابل استفاده و بررسی است. اول نوع جلد است که شناخت سیر تحول و انواع آن و نوع تزئینات بکاررفته در آن، هریک دارای مباحث مفصلی است و می‌تواند موضوع رساله‌های دانشگاهی باشد. چنانچه در کتاب صحافی و جلد‌های اسلامی چنین بوده است. مسئله دیگر، به یادداشت‌های پشت نسخه‌ای مربوط است که در آنها به بسیاری از وقایع تاریخی و اجتماعی و وفیات بزرگان می‌توان پی‌برد که در مصادر دیگر نمی‌توان یافت. این یادداشت‌ها بسیار حائز اهمیت است، به‌نحوی که یادداشت‌های پشت‌نسخه‌های کتابخانه مرحوم مشکوة رساله دکتري یکی از دوستان من بوده است. مورد دیگری که از نتایج فهرستنگاری به‌دست می‌آید، مربوط به تذهیب و تزئینات بکاررفته در کتاب است که سبک تذهیب سرلوح‌ها و سیر تحول آنها و قوت و ضعف هر دوره تاریخی آن بسیار مورد توجه کارشناسان این فن است.

یکی از دستاوردهای کار  
فهرستنگار، اطلاع از نوع خط  
نسخه‌ها و کتابت آنهاست

نتیجه دیگر کار فهرستنویسی درست، تعیین نام کاتبانی است که از روستاها یا شهرهای مختلفی بوده‌اند که در تنظیم تاریخ اجتماعی آن شهر یا روستا یا تعیین محدوده جغرافیایی شهرها یا تغییر نام بسیاری از آنها به کار می‌آیند. در ضمن برخی از نسخه‌ها به خط عالمان و دانشمندان بزرگی کتابت شده است که از طریق فهرس می‌توان آن نسخه‌ها را شناخت و جایگاه آن بزرگان را در اشاعه فرهنگ تشخیص داد. تعیین نام مالکان نسخه که آن را در تملک داشته‌اند، دستاورد دیگر فهرستنگاری است. بسیاری از بزرگان کتابخانه‌های مفصلی داشته‌اند که بعد از فوت آنها، کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی یا خصوصی داخل ایران یا خارج پراکنده شده‌اند. با استفاده از فهرس می‌توان تا حدودی موجودی کتابخانه‌های آنها را استخراج کرد.

شناخت اماکن و مراکز فرهنگی گذشته همچون مدارس، مساجد، حوزه‌های علمیه و مکتب‌خانه‌های تاریخی در شهرهای مختلف، از نتایج دیگر این فن است. بسیاری از کاتبان در پایان نسخه اشاره کرده‌اند که نسخه خود را در فلان مدرسه علمیه و فلان شهر نگاشته‌اند. در حال حاضر به بسیاری از این مدارس برمی‌خوریم که وجود دارند، ولی نامشان تغییر کرده یا بسیاری از آنها از بین رفته‌اند. با بررسی این موارد می‌توان به جایگاه هر شهر در ترویج علم و تربیت دانشجویان پی‌برد و برای هریک از این مدارس پرونده علمی تشکیل داد.

دستاورد دیگر کار فهرستنگار، اطلاع از نوع خط نسخه‌ها و کتابت آنهاست. به‌گونه‌ای که بسیاری از خطاطان بزرگ نسخه‌هایی را به خط خود نوشته‌اند. مرحوم گلچین معانی در تألیف احوال و آثار خوشنویسان از این موارد بسیار بهره برده است، همچنین با بررسی تاریخ نسخه‌ها می‌توان به قوت و ضعف کاتب در سیر صعودی یا نزولی او پی‌برد. بسیاری از خطاطان بزرگ عصر حاضر به دنبال چنین نسخه‌هایی هستند و برای آنها اهمیت بسیاری قائلند. دسترسی به اجازات علما، نتیجه دیگری است که از این طریق می‌توان به شاگردان و استادان و کتاب‌های مورد بحث آنان پی‌برد و در شرح حال نگاری فردی از آنها بهره برد. در ضمن پس از تألیف رجال علامه حلی و ابن داود تا اوائل سده

باید به کتاب‌شناسی  
و نسخه‌شناسی کتاب  
اهمیت داد و آن را  
مختصر و مفید و دقیق  
برای محقق شناساند و از  
بحث‌های نقدگونه کتاب،  
که محقق را از مقصود  
اصلی دور می‌کند، پرهیز  
کرد و اینگونه مباحث  
را به مجلات تخصصی  
واگذاشت

## آگاهی از تاریخچه و سرگذشت بسیاری از شعرای گمنام که دارای قریحه شعری بوده‌اند و بر روی نسخه‌ای که در دست داشته‌اند، یک رباعی یا قصیده یا غزلی از خود نوشته‌اند، کارکرد دیگر فهرست نگاری است

یازدهم قمری حلقه مفقوده‌ای در کتاب‌های رجالی و شرح حال‌نگاری وجود دارد که از طریق اجازات تا حدودی می‌توان این مسئله را جبران کرد. آگاهی از تاریخچه و سرگذشت بسیاری از شعرای گمنام که دارای قریحه شعری بوده‌اند و بر روی نسخه‌ای که در دست داشته‌اند، یک رباعی یا قصیده یا غزلی از خود نوشته‌اند، کارکرد دیگر این شاخه علمی است. برای نمونه استاد سیداحمد حسینی اشکوری در تذکره شاعران فارسی‌سرا از همین یادداشت‌ها بهره برده و این کتاب را تألیف شده است.

علاوه بر آن، نگارش دقیق فهارس، کمک شایانی به تنظیم تاریخ علم می‌کند. همان‌گونه که بسیاری از استادان به‌ویژه استاد حائری، که خدا سلامتش دارد، بر آن تأکید دارند از این طریق می‌توان بهره برد. دستیابی به اطلاعات تکمیلی و دقیق‌تر از تألیفات عالمان و دانشمندان را می‌توان دست‌آورد دیگر فهرست‌نویسی برشمرد. در بسیاری از کتاب‌های تراجم و رجال به نام عالمانی برمی‌خوریم که برای آنها چندین تألیف ذکر شده است، ولی با مراجعه به فهارس می‌بینیم که آنها دارای تألیفات دیگری نیز بوده‌اند که به‌سبب متفرق شدن آثارشان نام بسیاری از آنها از قلم افتاده است.

خلاصه کلام آنکه برگ‌برگ کتاب خطی مورد استفاده است و در صورت انعکاس دقیق نسخه خطی توسط فهرست‌نگار در فهرستش، از آن بسیار می‌توان بهره برد و در نگارش مباحث مختلف تحقیقی بدون مراجعه به فهارس و نسخه‌های خطی، آن نوشته از دید صاحب‌نظران کاری نیمه‌تمام خواهد بود.

■ نقش رایانه در تسهیل و یکسان‌سازی فهرست‌ها، به‌ویژه فهارس مفصل، چگونه است و ضرورت‌های آن چیست؟

□ بدون شک استفاده از رایانه در سرعت‌بخشیدن برای دستیابی به اطلاعات مؤثر است، و برای انتخاب و چینش مطالب در کنار هم بسیار به‌کار می‌آید. ولی چندین مشکل در این زمینه وجود دارد. نخست اینکه بسیاری از کسانی که بدین کار اقدام کرده‌اند، خود فهرست‌نگار نبوده‌اند و از اهل فن و محققان نیز مشورت نخواستند تا برنامه‌ای کامل و قابل استفاده برای

مراجعات باشد. دومین مسئله این است که اطلاعات واردشده در رایانه همان فهرست‌های چاپ‌شده بوده که بعضاً دارای اغلاط چاپی بوده است، که در صورت مراجعه به فهرست‌نگار و درخواست نسخه تصحیح‌شده توسط وی و واردکردن مطالب صحیح در رایانه کار بسی ارزنده‌تر می‌شود، زیرا اکثر فهرست‌نویسان خود در مراجعات بعدی به فهرستشان به اشتباهاتی برخورد کرده‌اند و آن را تصحیح کرده‌اند، لذا نسخه آن را باید اساس کار قرار داد. مسئله دیگر این است که بسیاری از افراد، سازمان‌ها و کتابخانه‌ها مدعی‌اند که این مهم را انجام داده‌اند، ولی فقط برای استفاده شخصی یا مختص آن کتابخانه است و در دسترس محققان نیست. بنابراین محقق باید از لابه‌لای چندصد جلد فهرست نسخه‌های خطی، که غالباً خالی از فهرست‌های فنی و راهنماست، یا به مقصود خود برسد یا به این نتیجه تلخ برسد که نسخه‌ای از آنچه به دنبالش می‌گردد، در این مملکت وجود ندارد. نکته پایانی آن است که با توجه به اینکه اکثر فهرست‌نویسی‌ها با بودجه شخصی بوده، کار نیمه‌تمام مانده است و هیچ سازمان دولتی یا غیردولتی از این نوع کارها، که اساس تحقیق است، پشتیبانی نمی‌کند تا کارهای نیمه‌تمام به سرانجام برسد و شخصی که کار را آغاز کرده با مشکلات بسیاری مواجه شده و ناچار آن را رها کرده است.

■ در حال حاضر مهم‌ترین آسیب‌های فهرست‌نگاری چیست؟

□ مشکل اساسی فهرست‌نگاری در عصر کنونی این است که پرورش دانشجویان این رشته به‌کندی صورت می‌گیرد. زیرا در دانشگاه یک یا دو ترم بیشتر درباره این موضوع بحث نمی‌شود و دانشجو فقط با برخی از مباحث تئوری آن آشنا می‌شود که این مسئله هیچ دردی را دوا نمی‌کند. چراکه دانشجو اگر با کتاب خطی

نگارش دقیق فهارس،  
کمک شایانی به تنظیم تاریخ  
علم می‌کند

برخی از فهارس به تفصیل به مباحث کتاب‌شناسی پرداخته‌اند که گاهی رشته کار از دست محقق خارج می‌شود، برخی از فهارس نیز چنان مختصراند که محققان رغبتی ندارند به آنها مراجعه کنند



و محقق تربیت کن نیستند.

■ وضع فهرست‌نویسی در حوزه‌های علمیه چگونه است؟

□ در حوزه‌های علمیه نیز اصلاً کار فهرست‌نویسی را علمی نمی‌دانند و هیچ‌گونه بهائی برای اینگونه تألیفات قائل نیستند، در صورتی که کتابداری و شاخه‌های آن همچون فهرست‌نویسی، در تمام دانشگاه‌های دنیا رشته علمی مستقلی محسوب می‌شود. ما با صرف هزینه‌های زیاد همایش‌ها و کنگره‌هایی برای بزرگداشت گذشتگان این فن برگزار می‌کنیم. ولی از اطرافیان خود غافلیم و حاضر نیستیم کمترین بودجه‌ای برای کسانی که زنده‌اند و کار می‌کنند، در نظر بگیریم.

کار فهرست‌نویسی می‌طلبد که انسان چندسالی مشکلات غربت و فقر و فاقه را تحمل کند تا به جایی برسد. چنانچه طبیعت اکثر کارهای هنری چنین است و کسی که در کارهای هنری صبر نکرده و خواسته چندروزه کاره‌ای شود، می‌بینیم که کارش ماندگار نشده

سروکار نداشته باشد و آن را زیور و نکند و گرد و غبار آن به مشامش نرسد و تمام آن مباحث خوانده‌شده و ناقص را با کتاب خطی تطبیق نکند، به جایی نمی‌رسد. تمام استادان هم می‌دانند که مباحث مربوط به نسخه‌های خطی چنان گسترده است که با این چند جلسه درس دانشجو به جایی نمی‌رسد. پس باید کلاس‌های مفصل‌تر و عملی برای آنان در نظر گرفت تا به فهرست‌نگار خوبی تبدیل شوند. همچنین خود دانشجو نیز باید به مطالعات مختلف بسیاری بپردازد تا با مباحث کلی فهرست‌نگاری آشنا شود که در موارد احتیاج از آنها کمک بگیرد یا بداند در مشکلات به چه منابع و مصادری باید مراجعه کرد. از طرفی چون عصر کنونی، عصر سرعت و کامپیوتر و اینترنت است، جوانان حوصله و صبر چند دهه‌ای اساتید قدیم را ندارند تا به شهرت برسند. آنها به دنبال این هستند که طرحی را امروز بدهند و فردا به پول تبدیل شود. لذا از اینگونه کارها که صبر ایوب می‌خواهد، به شدت گریزانند. متأسفانه دانشگاه‌ها به هیچ‌وجه کارشناس پرور

اخيراً برخی از نسخه‌های قدیمی و منحصر به فرد را به صورت فاکسميله (چاپ برگردان) چاپ می‌کنند که بسیار ارزنده است و از این طریق می‌توان نسخه‌های مهم این مملکت را به دیگران شناساند

است. اما کسانی که در این راه صبر کرده و نفس هنر برایشان محترم بوده نه مال و ثروت و شهرت، کار بس ماندگاری آفریده و نام خود را در تاریخ جاودان کرده‌اند. از قدیم می‌گفتند که علاقه باعث پیشرفت در هر کاری است، ولی دربارهٔ فهرست‌نویسی و نسخ خطی من معتقدم که این کار عشق می‌خواهد و در جلساتی که با برخی از دوستان و دانشجویان داشته و دارم، همیشه سفارش می‌کنم که اگر به دنبال پول هستيد، هرگز وارد این رشته نشويد.

■ دیدگاه جناب عالی دربارهٔ انتشار همهٔ نسخ خطی کشور (تصحیح شده یا نشده) با هدف اطلاع‌رسانی چیست؟

□ در صورت تصحیح موافقم که چنین کاری باید صورت بگیرد تا متن صحیحی از آن در دسترس باشد، اگرچه به نسخه بدل‌های بسیار احتیاج نداشته باشد. البته این کار باید دربارهٔ نسخه‌های مادر و مرجع صورت بگیرد. زیرا اگر ما هنوز متن کتابی را نشناخته باشیم، چاپ چندین جلد از حاشیه‌هایی که بر آن نوشته‌اند، فایدهٔ چندانی ندارد. اخیراً برخی از نسخه‌های قدیمی و منحصر به فرد را به صورت فاکسميله (چاپ برگردان) چاپ می‌کنند که بسیار ارزنده است و از این طریق می‌توان نسخه‌های مهم این مملکت را به دیگران شناساند. فقط باید دربارهٔ قیمت سرسام‌آور اینگونه چاپ‌ها، فکری کرد تا ارزان‌تر در اختیار محققان قرار گیرد. چراکه اینگونه کتاب‌ها فقط مورد احتیاج برخی از محققان است و بازار فروش چندانی ندارد. اما با چاپ این آثار به صورت تصحیح‌نشده مخالفم، برای اینکه اگر ما می‌خواهیم تمدن و فرهنگ خود را معرفی کنیم، انتشار تمدنی غلط، کار بسیار ناپجایی است و به دست خود حربه‌ای برای دیگران ساخته‌ایم.

■ چه پیشنهادهایی برای بهبود وضع فهرست‌نگاری و حفظ گنجینه‌های مکتوب و میراث کشور دارید؟

□ پاسخ این سؤال به این مسئله برمی‌گردد که ما اولاً بدانیم موجودی کتاب‌های خطی‌مان چقدر است؟ برخی در گوشه و کنار ایران هرروز آماری از ذخایر خطی این مملکت می‌دهند و پس از گذشت چنددهه آمار قبلی را رد کرده و آمار جدیدی ارائه می‌دهند. این بدین

معناست که هنوز بسیاری از این ذخایر ناشناخته مانده است. اول باید از وجود کتابخانه‌های بزرگ و کوچک اطلاع حاصل کرد و آنها را فهرست‌نویسی و منتشر کرد که این کار هیچ‌وقت با یکجانشستن و سخن‌راندن به نتیجه نمی‌رسد. به قول یکی از استادان، تمام کتابخانه‌ها باید فهرست شوند تا فهمید فلان کتابخانه چه نسخه‌های مهمی دارد و فلان کتابخانه نسخه‌های ارزشمندی ندارد تا کتابخانه‌های مهم را مورد توجه قرار داد. بنابراین اول باید کتابخانه‌ها را شناخت و آنها را فهرست کرد تا برای آن کتابخانه سندی تهیه شود که با این کار می‌توان از بروز بسیاری از مشکلات نظیر سرقت و خروج کتاب از ایران جلوگیری کرد. در ضمن اگر کتابخانه‌ای نسخه‌های مهمی داشته باشد، مسئولان کتابخانه از این طریق بیشتر از آنها محافظت می‌کنند. زمانی برای فهرست‌نویسی به یکی از کتابخانه‌های ایران رفته بودم که بیشتر از نیم کیلو فضلهٔ موش از بین کتاب‌ها جمع کردم. موش‌ها به بسیاری از نسخه‌ها آسیب رسانده بودند و کتاب‌ها در وضع بسیار نامطلوبی نگهداری می‌شد، در حالی که در این کتابخانه آثار نفیس بسیاری وجود داشت که یکی از آنها نسخه‌ای از رسالهٔ قشیریه بود که به سال ۵۴۴ کتابت شده بود. مسئولان کتابخانه پس از آگاهی از وجود چنین نسخه‌هایی اتاق مخصوصی برای کتاب‌های خطی آماده کردند.

در ضمن فهرست‌نویسی اینگونه کتابخانه‌ها، باید از آنها تصاویر دیجیتالی تهیه و در مرکزی نگهداری شود تا محققان به راحتی بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند. استاد سیداحمد اشکوری پس از تأسیس مرکز احیای میراث اسلامی در قم بدین مهم پرداختند و در هر دو راه قدم نهادند. ابتدا نسخ خطی کتابخانه‌های شخصی و شبه‌شخصی را شناسایی و برای آنها فهرست‌هایی تهیه کردند که در مجموعهٔ معرفی میراث مخطوط بیش از ۵۰ عنوان از اینگونه کتابخانه‌ها به چاپ رسیده است. سپس از آنها عکس‌های دیجیتالی تهیه شد که در مرکز نگهداری می‌شوند. مجمع ذخائر اسلامی نیز قدم‌های بسیار خوبی در تهیهٔ عکس‌های دیجیتالی از کتابخانه‌های مختلف ایران و خارج از ایران برداشته است که در محل مجمع مزبور نگهداری می‌شود. البته چنین کار گسترده‌ای از عهدهٔ یک شخص یا یک مؤسسه فراتر است و همت بلندی می‌طلبد و



باید هر بخش کار را یکی از کتابخانه‌های مهم به‌عهده بگیرند و به‌جای آنکه تمام نیرو و امکانات مادی و انسانی خود را صرف دکور و تشریفات دست‌وپاگیر کنند، از اینگونه کتابخانه‌ها فهرست‌های فنی تهیه کنند و به چاپ برسانند. همچنین به‌جای آنکه پا را از ایران فراتر بگذارند و هزینه‌های گزاف متحمل شوند، به فکر مملکت خودمان باشند، یا به‌جای آنکه به‌دنبال شناسنامه‌دار کردن کتاب‌های خطی باشند، خرید کتاب از کسانی که مایل به فروش کتابخانه‌های خود هستند را تسهیل کنند، و به‌جای کاغذبازی‌های بی‌جا و جلسات بی‌حاصل و پرهزینه و سخنرانی‌های بی‌مورد و ارائه آمار غیرواقعی، همت کرده و به کار مشغول شوند تا شاهد چاپ هرچه بیشتر این آثار باشیم.

#### ■ لطفاً در پایان درباره فعالیت‌هایتان در این عرصه توضیح دهید؟

□ اولین تجربه‌ای که در کار فهرست‌نگاری داشتم، راهنمای ۲۱ جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی بود که در تنظیم آنها به پدرم کمک کردم و در سال ۱۳۷۱ شمسی به چاپ رسید. سپس کتابخانه مرحوم آیت‌الله سیدمحمد حجت کوه‌کمری را در همان سال فهرست کردم و سال ۱۳۷۷ چاپ شد. زمانی که در حوزه علمیه مهدیه خوانسار مشغول به تحصیل بودم، به فهرست‌نویسی کتابخانه فاضل خوانساری پرداختم که در سال ۱۳۷۳ پایان یافت و در ۱۳۷۴ با تقریظ مرحوم استاد سیدعبدالعزیز طباطبائی در دو جلد منتشر شد. پس از تأسیس مرکز احیای میراث اسلامی به فهرست‌نگاری نسخه‌های عکسی این مرکز کمک کردم که تاکنون شش جلد آن به چاپ رسیده و جلد هفتم مراحل پایانی را طی می‌کند و از جلد ششم به بعد تألیف این حقیر است.

در سال ۱۳۷۷ کار مشترکی در فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث را در دارالحدیث شروع کردم که بخشی از کتاب‌شناسی آن به‌عهده من بوده و تاکنون هفت جلد آن منتشر شده است. در سال ۱۳۷۸ کتابخانه‌های قائن را فهرست کردم که سال ۱۳۸۱ چاپ شد. در همین سال کتابخانه مدرسه جعفریه زهان با کتابخانه سیدمعصوم قهستانی در قائن را فهرست کردم که در ۱۳۸۳ منتشر شد. در سال ۱۳۷۹ به

دامغان رفتم و کتابخانه حسینیه قمرینی‌هاشم و مدرسه فتحعلی‌بیگ این شهر را در دو جلد فهرست کردم که اولی ۱۳۸۵ و دومی ۱۳۸۶ چاپ شد.

در سال ۱۳۸۱ فهرست کتابخانه‌های گلپایگان را نوشتم که در همان سال به چاپ رسید. پس از آن در سال ۱۳۸۲ فهرست کتابخانه‌های خطی و اسناد میرزا محمد کاظمینی در یزد را تنظیم کردم که در سه دفتر منتشر شد. در همین سال کتابخانه شیخ محمدعلی دینانی و مسجدالرسول بازار در بیرجند را فهرست کردم که سال ۱۳۸۴ چاپ شد. کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام در اردکان را در سال ۱۳۸۴ فهرست کردم که در همان سال چاپ شد، همچنین در این سال فهرست کتابخانه مدرسه صدر خواجه اصفهان را به چاپ رساندم، و نیز دفتر اول نسخه‌های خطی کتابخانه سربزیدی یزد را به چاپ رساندم که ادامه کار بسته به سفری دوباره به آن شهر می‌باشد.

همچنین در این سال و سال ۱۳۸۵ توفیق اتمام فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان دست داد که در سه دفتر به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۸۵ در سفری که به هندوستان داشتم کتابخانه جامع جوادیه در بنارس هند را فهرست‌نویسی کردم که سال ۱۳۸۶ به چاپ رسید. در همین سال سفری به عتبات عالیات داشتم که در نجف اشرف کتابخانه مدرسه دارالعلم آیت‌الله العظمی خوبی و کتابخانه مدرسه آیت‌الله العظمی بروجردی را فهرست‌نویسی کردم که فهرست دارالعلم سال گذشته به چاپ رسید و فهرست مدرسه بروجردی مراحل پایانی را طی می‌کند.

در حال حاضر مشغول فهرست‌نویسی کتاب‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان هستیم که مشتمل بر ۱۲۰۰ نسخه می‌باشد و قرار است در چهار جلد به چاپ برسد که جلد اول آن سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده و جلد دوم در چاپخانه است و جلد سوم نیز مراحل پایانی کار را می‌گذراند. در کنار فهرست‌نگاری به برخی از کارهای تحقیقی و نوشتن برخی مقالات نیز مشغولم که برخی از آنها به چاپ رسیده است.

■ از فرصتی که در اختیار نشریه قرار دادید، سپاسگزاریم.

اولین تجربه‌ای که در کار  
فهرست‌نگاری داشتم،  
راهنمای ۲۱ جلدی  
فهرست نسخه‌های خطی  
کتابخانه مرحوم آیت‌الله  
مرعشی نجفی بود که در  
تنظیم آنها به پدرم کمک  
کردم و در سال ۱۳۷۱  
شمسی به چاپ رسید